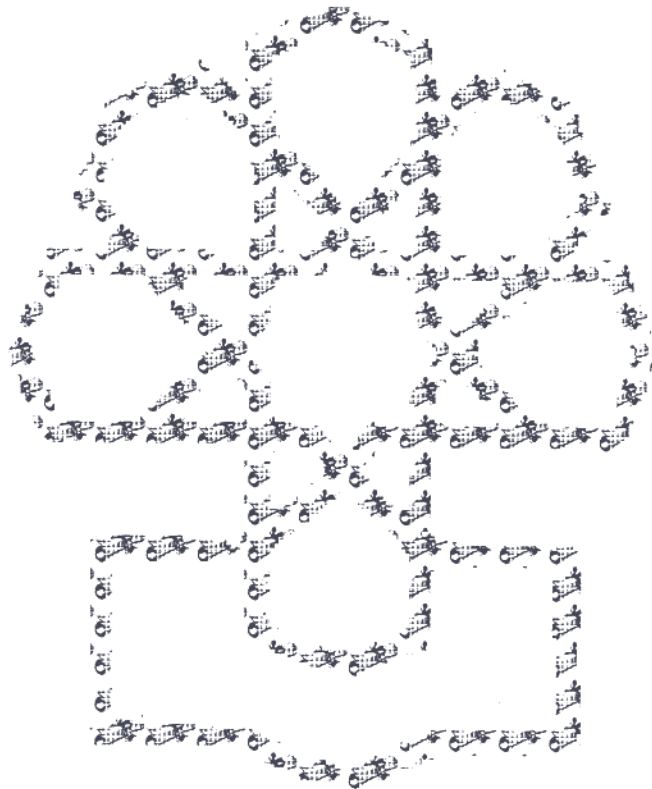


فصلی دربارهٔ گروه هفت صنعتی (با نگاهی به اجلاس لیون)



معاونت پژوهشی

مرداد ۱۳۷۵

کار: دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی

این گزارش بنا به درخواست حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید رضا اکرمی
نمایندهٔ محترم مجلس شورای اسلامی تهیه گردیده است.

کد گزارش: ۱۴۰۱۵۶۶

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۷۷۲۷
تاریخ: ۱۸/۱۱/۷۲

فصلی دربارهٔ گروه هفت صنعتی
(با نگاهی به اجلاس لیون)

کد گزارش: ۱۴۰۱۵۶۶

فهرست مطالب

۲	نکات برجسته
۳	تاریخچه
۳	مشکلات اقتصادی هفت کشور صنعتی
۴	مشکلات کشورهای جهان سوم و بلوک شرق سابق
۶	اجلاس سران گروه هفت در لیون
۱۲	نتیجه گیری

- * اجلاس سران گروه هفت صنعتی به منظور بررسی تحریم نفتی کشورهای عرب صادرکننده نفت علیه کشورهای حامی اسرائیل و افزایش قیمت نفت و اثرات آن بر نظام بین‌الملل در سال ۱۹۷۴ تشکیل گردید.
- * گروه هفت صنعتی متشکل از کشورهای امریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کانادا می‌باشد که هر ساله یک اجلاس در سطح سران برگزار می‌شود.
- * در این اجلاسها کشورهای عضو به بررسی مسائلی مانند، تقسیم بازارهای بین‌المللی، تقسیم کشورهای تولیدکننده مواد اولیه بین خود، حقوق بشر، محیط‌زیست، و غیره می‌پردازند.
- * یکی از عمده مشکلات کشورهای گروه هفت رشد اقتصادی محدود و بیکاری ساختاری است.
- * دو موضوع عمده اجلاس سران گروه هفت در لیون، حذف موانع موجود در روابط تجاری آزاد بین کشورهای عضو و هماهنگی روابط خارجی این کشورها با دیگر ممالک جهان بود.
- * کلیتون رئیس جمهور امریکا تلاش نمود تا به بهانه قرار دادن انفجار «ظهران» مسئله مبارزه با تروریسم را در دستور کار اجلاس قرار دهد ولی اروپاییان از بهانه قرارداد این موضوع به منظور اتخاذ تصمیم‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه اجتناب کردند و بدین صورت امریکا موفق نشد محکومیت تروریسم را با تحریم علیه ایران پیوند زند و کشورهای گروه هفت را به اتخاذ سیاستی متحد در این زمینه وادار کند.
- * اجلاس لیون تصمیم گرفت که راجع به بدهیهای کشورهای فقیر و ده‌کشور خیلی فقیر اقداماتی را انجام دهد و تا ۶۷ درصد وامهای آنها را تقسیط نماید.
- * در بحثهای مالی اجلاس لیون، کشورهای اروپایی از تقویت دلار در مقابل «ین» ژاپن اظهار رضایت کردند.
- * در بیانیه اجلاس لیون، از ایران خواسته شده است که از حمایت مادی و سیاسی گروههای بنیادگرا خودداری کرده و همچنین حکم اعدام سلمان رشدی را لغو نماید.

اجلاس سران گروه هفت از سال ۱۹۷۴ برای بررسی تحریم نفتی کشورهای عرب صادر کننده نفت علیه کشورهای حامی اسرائیل و چهار برابر شدن قیمت نفت و اثرات آن بر نظام بین المللی تشکیل گردید. گروه هفت از کشورهای امریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کانادا تشکیل شده است و به دلیل عضویت این هفت کشور صنعتی گروه هفت نامیده می شود. از سال ۱۹۷۴ تاکنون هر ساله این گروه یک اجلاس سران را برگزار نموده است.^۱ در این اجلاس کشورهای تحت عنوان بررسی مسائل و مشکلات بین المللی به خصوص در زمینه اقتصادی به بحث و بررسی و تصمیم گیری می پردازند. مهمترین مسائل مورد بحث تقسیم بازارهای بین المللی برای فروش محصولات و تولیدات صنعتی و تقسیم مناطق برای حصول ارزان، سریع و مستمر مواد اولیه می باشد. بدین ترتیب سران کشورهای صنعتی عمده جهان، در این جلسات به تقسیم منافع خود در سراسر جهان می پردازند.

هفت کشور صنعتی در حدود ۱۲/۳ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می دهند، حال آنکه ۵۰ درصد کل انرژی دنیا را مصرف می کنند و بیش از ۷۰ درصد ثروت دنیا را در اختیار دارند و تولید ناخالص ملی آنها از مجموع تولید ناخالص ملی دیگر کشورهای جهان بیشتر است. مشکلات اقتصادی که معمولاً در این جلسات مورد بررسی قرار می گیرد شامل مشکلات اقتصادی هفت کشور صنعتی، مشکلات اقتصادی کشورهای جهان سوم و بلوک شرق سابق می باشد.

مشکلات اقتصادی هفت کشور صنعتی

یکی از مشکلات عدیده این کشورها رشد اقتصادی محدود و بیکاری ساختاری این کشورهاست. در دهه ۱۹۶۰ میلادی ۳ درصد نیروی کار این کشور بیکار بودند و اکنون حدود ۷/۲ درصد نیروی کار آنها بیکار است. البته در مقام مقایسه باید گفت که بیکاری در سطح بین المللی هم اکنون به ۳۰ درصد نیروی کار یعنی ۸۳۰ میلیون نفر می رسد. ولی بیکاری در کشورهای صنعتی با این حجم تولید باید مفهوم عمیقی داشته باشد. مشکلات اقتصادی امریکا به عنوان رهبر گروه هفت (با تولید ناخالص ملی ۲۵ درصد کل تولید ناخالص دنیا) به خصوص شایان توجه است. چون این معضلات نه تنها بر اقتصاد کشورهای صنعتی بلکه بر اقتصاد کشورهای دیگر دنیا از جمله کشورهای جهان سوم به عنوان صادر کنندگان مواد خام و اولیه نیز تأثیر بسزایی دارد. کسر بودجه حدود ۵۰۰ میلیارد دلاری و بدهی ۱۰۰۰ میلیارد دلاری این کشور به نهادها و سازمانهای مالی داخلی و خارجی تأثیر مخربی بر اقتصاد جهانی دارد. نرخ تورم در این کشور آن طور که آمار نشان می دهد در ۳۰ سال آینده سبب خواهد شد که $\frac{1}{3}$ قدرت خرید مردم از دست برود (این در صورتی است که نرخ تورم در حد فصلی باشد و افزایش پیدا نکند). تقسیم ثروت در این کشور به گونه ای است که یک درصد مردم این کشور حدود ۴۰ درصد ثروت را در اختیار دارند. در حقیقت مجموعه نارسایی های اقتصادی این کشور سبب خواهد شد که این کشور وضعیت یک ابر قدرت اقتصادی - نظامی به یک قدرت دست دوم در نظام چند قطبی تبدیل شود. از این رو امریکا با تشکیل اتحادیه نفتا سعی دارد با تشکیل یک بلوک اقتصادی قدرتمند در مقابل بلوک اقتصادی دیگر (اروپا و آسیا) مقاومت نماید.^۲

از مشکلات دیگری که معمولاً در این جلسات بررسی می‌شوند مشکل تجارت ژاپن با آمریکا با مازاد ۵۰ میلیارد دلاری به نفع ژاپن است. ژاپن بعد از اتحاد دو آلمان تنها کشور صنعتی بزرگ است که دارای تراز مثبت پرداختی ۱۳۲ میلیارد دلاری است. در نتیجه قسمت عمده‌ای از کوششهای آمریکا در این جلسات مصروف کاهش این مازاد هنگفت تجاری می‌شود و همچنین ژاپن تشویق می‌شود که درهای خود را بر روی محصولات کشورهای صنعتی، به خصوص محصولات کشورهای صنعتی، به خصوص محصولات آمریکایی بگشاید، که البته این مباحثات گهگاه شکل تهدید برقراری تعرفه بر کالاهای ژاپنی را به خود می‌گیرد.^۳

مشکل دیگر کشورهای صنعتی از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا کنون مشکل رکود ساختاری است. برای از بین بردن این رکود آنها ناچار از اتخاذ سیاستهایی شده اند که به سیاستهای اقتصادی انبساطی معروف هستند یعنی تزریق پول به اقتصاد - افزایش حجم نقدینگی و کاهش نرخ بهره که سبب تورم پولی و کاهش ارزش پول است. از طرف دیگر باید برای خروج از رکود، دستگاههای فوق مدرن اتوماتیک بکار گرفته شوند که باعث بیکار شدن عده بیشتری می‌شود. در نتیجه حاصل سیاستهای ضد رکودی یا انبساطی، به وجود آمدن تورم است که به نوبه خود این تورم باید با سیاستهای ضد تورمی انقباضی از بین برود که این سیاستها عبارتند از: افزایش بهره، کنترل شدید حجم نقدینگی و متوازن کردن بودجه. این تدابیر البته سبب فرار سرمایه از بخشهای مالی و سوداگری می‌شود. در کل، هدف این نوع سیاستها متوازن کردن بودجه است. بنابراین عملاً دنیای سرمایه داری وارد (بن بست) شده که خروج از آن با تدابیر فعلی غیر ممکن می‌نماید. یعنی یارکود و سیاستهای ضد رکودی که منجر به تورم شده یا سیاستهای ضد تورمی که دوباره سبب بروز رکود می‌شود و این دور باطلی است که سرمایه داری در آن گرفتار شده است.

مشکلات کشورهای جهان سوم و بلوک شرق سابق

کشورهای جهان سوم هم، مشکلات ساختاری اقتصادی خودشان را دارند و هم به دلیل وابستگی شدید اقتصادی به کشورهای سرمایه داری از اثرات رکود یا تورم در این کشورها به شدت تأثیر می‌پذیرند، بنا براین دارای مشکلات اقتصادی مضاعفی هستند. این کشورها معمولاً دچار عدم توازن شدید بودجه هستند که ناچار از استقرار از سیستم بانکی داخلی یا مراجعه به بازارهای بین المللی برای اخذ وامهای کلان می‌باشند.

از لحاظ تقسیم کار بین المللی این دسته از کشورها، تأمین کننده مواد اولیه و خام برای صنایع کشورهای صنعتی هستند و مشکل آنها این است مواد اولیه‌ای که در اختیار دارند تنها منبع درآمد آنهاست و نیز این مواد روزبه‌روز در حال کاهش است و در مقابل قیمت کالاهای مورد نیاز آنها که باید با درآمد حاصل از فروش همان مواد خام تهیه شود در حال افزایش مداوم است. ثروتمندترین کشورهای جهان سوم دارندگان نفت هستند که درآمدهای آنها از محل فروش نفت از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۲ یعنی تقریباً ۱۰ سال از ۱۸۰ میلیارد دلار به ۷۵ میلیارد دلار یعنی تقریباً ۶۰ درصد کاهش داشته است. مضافاً این کشورها چون تولید کننده نیستند باید نیازهای خود را که در همین مدت قیمت آنها افزایش شدید داشته است از محل فروش نفت تأمین کنند. بنابراین، این کشورها برای همیشه مقروض هستند. کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال حاضر با

جمعیتی معادل ۲۰ میلیون نفر. قروضی بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار دارند. بنا بر این کشورهای جهان سوم برای کسب وام جهت رفع مشکلات اقتصاد داخلی و خارجی که هر دو ساختاری هستند به مؤسسات پولی بین المللی متوسل می شوند. قروض کشورهای فقیر به جهان سرمایه داری تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار است و با توجه به روند کاهش قیمت مواد اولیه و خام و افزایش قیمت محصولات مورد نیاز آنها، این روند در حال تشدید است. وضع اقتصادی کشورهای صادر کننده قهوه و کاکائو و چای بسیار وخیم تر از کشورهای صادر کننده نفت بوده و بعضی از آنها در حال ورشکستگی اقتصادی هستند.

در خصوص تأثیر این وامها بر اقتصاد این کشور باید گفت که این وامها اثر یک مسکن آتی را دارند که مشکلات ساختاری آنها را بر طرف نمی کند و فقط موجب مقروض شدن هر چه بیشتر آنها به نحوی می شود که به هیچ وجه قدرت باز پرداخت این وامها را نخواهند داشت. مثلاً کشور برزیل در دهه ۱۹۸۰ میلادی اعلام نمود قدرت باز پرداخت وامهای ۱۵۰ میلیارد دلاری خود را ندارد. در مواردی هم دیده شده است که مؤسسات وام دهنده قروض خارجی سود وامها را بخشیده اعلام کرده اند چون واقعاً امکان وصول آنها نبوده است.

از طرف دیگر تأثیر شدید نوسان قیمتها و مشکلات ساختاری نظام سرمایه داری عملاً تا حد زیادی از اثر کمکیهای آنها به کشورهای جهان سوم می کاهد. از پیش نیازهای پرداخت این گونه وامها از طرف نهادهای مالی عمده دنیای سرمایه داری مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی این است که سیاستهای خاصی از طرف دولتهای وام گیرنده اتخاذ شود. این سیاستها عبارتند از: کاهش و کنترل شدید نقدینگی، متعادل کردن بودجه، کاهش هزینه های عمومی دولت از جمله قطع بارانه های دولتی به اقشار کم درآمد. کاهش ارزش پول رایج برای قابلیت رقابت کالاهای ساخت داخل و در یک کلام متعادل کردن قیمتها بر اساس عرضه و تقاضا و از بین بردن کسر بودجه که معروف به اقتصاد بازار یا اقتصاد سرمایه داری است. اثر فوری و مشهود اجرای نسخه های این دو نهاد پولی عمده دنیای سرمایه داری کاهش شدید ارزش دستمزدها و افزایش شدید قیمت کالاهای مصرفی است که موجب فقر بیشتر طبقات کم درآمد می شود. انجام این دستورالعمل ها در برخی از کشورهای جهان سوم منجر به شورش طبقات کم درآمد شده است. مثالهای بارز این کشورها، مصر دهه ۷۰ میلادی، برزیل دهه ۸۰ میلادی، و مکزیک مارس ۱۹۹۳ می باشد.

در کل، عملکرد اقتصاد بین المللی به نحوی است که شکاف بین کشورهای غنی و فقیر روز به روز در حال گسترش است به نحوی که هم اکنون در آمد سرانه برخی از فقیرترین کشورهای آسیا و آفریقا به حدود ۳۷۰ دلار یعنی روزانه یک دلار تنزل یافته حال آنکه در آمد سرانه سوئیس در حدود ۳۶۷۰۰ دلار یعنی حدود ۱۰۰ برابر بیشتر است. این تفاوت فاحش بین کشورهای فقیر و غنی باعث شده که کشورهای جهان سوم تقاضاهای جدی برای تجدید نظر کلی در ساختار اقتصاد بین المللی در جهت منطقی کردن هر چه بیشتر نظام اقتصادی دنیا بنمایند، زیرا وضعیت فعلی قابل ادامه نیست و خطر بحرانهای جدی، نظام بین المللی را تهدید می کند.

تقاضاهای منطقی کشورهای جهان سوم چیزی فراتر از «سیاست ادامه بازی»^۵ است تاکنون تدابیری که از طرف کشورهای غنی اتخاذ شده است فقط «سیاست ادامه بازی» بوده و کشورهای جهان سوم همواره خواستار تغییرات واقعی در جهت منطقی کردن تولید و برقراری رابطه ای صحیح و منطقی بین قیمت مواد اولیه از یک طرف و قیمت کالاهای و مصنوعات صنعتی از طرف دیگر بوده اند.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ اقتصاد کشورهای کمونیستی سابق نیز سربار مشکلات جهان صنعتی شد. پس از خروج این کشور از سلطه نظامهای توتالیتر کمونیستی، ضرورت ادغام نظامهای اقتصادی کمونیستی در اقتصاد سرمایه‌داری و یکپارچه شدن نظام اقتصادی بین‌المللی، حکم می‌کند که با صرف مقادیر هنگفتی سرمایه بنیان و پیکره اقتصاد این کشورها تغییر یافته و به سمت اقتصاد سرمایه‌داری هدایت شوند.

انتظار می‌رفت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این اقتصاد کلان و اقتصادهای وابسته به آن با سرعت جذب اقتصاد جهانی یعنی اقتصاد سرمایه‌داری شوند و بدین جهت تغییر و تحولات گسترده‌ای با سرعت بسیار زیاد در این نظام اقتصادی شروع شد. اقتصادی که به گفته یکی از متفکران روسی سبب بوجود آمدن انسان نوع شوروی شده بود که در آن نه سرمایه و پول وجود داشت و نه انگیزه و رقابت مفهوم داشت. تغییرات سریع سبب شد که در مدت بسیار کوتاهی قیمت‌ها با شتاب بسیار افزایش یابند که در بعضی موارد این افزایش قیمت‌ها تا چند صد برابر بوده است به طوری که همزمان، ارزش روبل روسیه به شدت کاهش یافته و حجم نقدینگی برای سرپا نگهداشتن اقتصاد به ارقام نجومی رسید. حجم پولی که در این کشور در مدت یک ماه نشر یافت معادل ۲۶۰ میلیارد روبل یعنی مقداری که طی ۳۰ سال در اتحاد شوروی نشر می‌شد. کاهش ارزش سریع روبل به نحوی که بانک مرکزی روسیه نرخ برابری روبل و دلار را در حد ۴۸۰۰ روبل، یک دلار تثبیت نمود و به این ترتیب سعی در جلوگیری از کاهش بیشتر ارزش روبل کرد. باید توجه داشت که بعضی از سیاستهای اتخاذ شده مثل افزایش شدید حجم نقدینگی درست برخلاف دستورالعمل‌های سنتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هستند. دلیلی که سبب شد این دو نهاد پولی بین‌المللی افزایش حجم نقدینگی را نادیده گیرند این حقیقت بود که در اثر اعمال همین دستورالعمل‌ها فاصله طبقاتی در این کشورها بسیار زیاد شده و کاهش شدید ارزش روبل و افزایش شدید قیمت‌ها قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داد، این امر ممکن بود سبب شورش فراگیر مردم و وخامت بیشتر اوضاع شود. بنابراین، این چشم‌انداز سبب شد که کشورهای سرمایه‌داری غرب فشار خارق‌العاده‌ای بر این دو نهاد پولی وارد آورند تا در مورد روسیه عملاً خلاف سیاستهای اعلام شده شان عمل نمایند و به پرداخت وام به این کشور علی‌رغم افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی ادامه دهند.

بنابراین ادغام اقتصادی بلوک شرق به‌طور اعم و روسیه به‌طور اخص و هدایت آنها به داخل اقتصاد جهانی که ابتدا ساده به نظر می‌رسید، مشکل بود. از یک طرف سرعت بیش از حد در انجام تغییرات و تعدیل اقتصادی می‌تواند سبب شورش مردم شده و به هرج و مرج بیانجامد و از طرف دیگر کندی سرعت تعدیل اقتصادی نهایتاً ممکن است به فروپاشی این اقتصاد بیمار منتهی شود که در این صورت برای احیای آن باید مخارجی چند برابر را متحمل شد یا اینکه هرج و مرج و نارضایتی مردم از آن، سبب به قدرت رسیدن افراطی‌های چپ یا راست شود که این چشم‌انداز کابوس وحشتناکی برای غرب است.^۷

اجلاس سران گروه هفت در لیون

اجلاس سران هفت کشور صنعتی جهان ۲۹-۲۷ ژوئن ۱۹۹۶ در شهر لیون فرانسه برگزار شد. دو موضوع اصلی این گردهمایی حذف موانع موجود در روابط تجاری آزاد بین کشورهای عضو و بررسی و هماهنگی

روابط خارجی این کشورها با دیگر ممالک جهان بود. مهمترین مسائل مطرح شده در مذاکرات و جلسات به قرار زیر می باشد:

دستور کار اجلاس از پیش تهیه شده بود «کلینتون» رئیس جمهور امریکا اولین میهمان «ژاک شیراک» بود که وارد لیون شد و تلاش نمود که با بهانه قرار دادن انفجار «ظهران» مسئله «مبارزه با تروریسم» را در دستور کار اجلاس قرار دهد ولی اروپائیان از بهانه قرار دادن این موضوع به منظور اتخاذ تصمیم ها و اقدامات تلافی جویانه خودداری نمودند و در پایان روز اول دیدارها یک بیانیه در مبارزه با تروریسم منتشر نمودند. در این بیانیه از همه کشورهای جهان خواسته شده تا از ادامه کمک های خود به کشورها و گروه هایی که از تروریسم حمایت می کنند، خودداری نماید. ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه ضمن قرائت متن بیانیه گفت: «انفجار ظهران اقدامی کور و وحشیانه بود. ترور، صرف نظر از انگیزه آن، یک اقدام نفرت انگیز است» کلینتون نیز اظهار نمود: «بیانیه نشان داد که دیگر رهبران شرکت کننده در اجلاس گروه هفت مصمم به اقدام مبارزه قاطعانه با تروریسم هستند. حمله به یکی از اعضا، حمله به دیگر اعضای گروه محسوب می شود تروریست ها با دست زدن به این قبیل اعمال، مانع از ادامه فرایند تجارت آزاد در جهان خواهند شد. اگر در برخورد با ترورکوتاهی کنیم خود را آسیب پذیر خواهیم کرد»^۸.

بنا به گفته سخنگوی اجلاس، نمایندگان کشورهای عضو برای بررسی جزئیات امر در این زمینه پس از اجلاس تشکیل جلسه می دهند و وزرای خارجه کشورهای عضو در ماه آینده (جولای) تشکیل جلسه خواهند داد تا راههای عملی برای مقابله با کشورهای حامی تروریسم را مورد ارزیابی قرار دهند. «ایودوتریو» یکی از اعضای بلند پایه وزارت خارجه فرانسه در مورد رئوس کلی سیاست گروه هفت برای مقابله با تروریسم گفت: «این سیاست در داخل و خارج از مرزهای کشورهای عضو به اجرا در خواهد آمد. در داخل کوشش خواهیم کرد که گروه های حامی تروریسم را شناسایی کرده و با جلوگیری از جمع آوری اعانه برای این قبیل گروهها و احتمالاً دستگیری اعضای فراطی آنها از ادامه فعالیت این عده جلوگیری کنیم. و همچنین با استفاده از امکانات پلیس بین المللی و شناسایی و شکار تروریست های مظنون به خرابکاری سعی خواهیم کرد که سازمان های تروریستی را در هم بکوبیم»^۹.

اما به طور کلی امریکا موفق نشد محکومیت تروریسم را با تحریم علیه ایران پیوند زده و کشورهای گروه هفت کشور را به اتخاذ سیاستی متحد در این زمینه وادارد. شیراک به کلینتون هشدار داد که چنانچه امریکا مجازاتهایی علیه شرکتهای اروپایی سرمایه گذار در کوبا، ایران و لیبی برقرار کند این خطر وجود دارد که اروپایی ها نیز دست به عملیات تلافی جویانه بزنند و این امر ممکن است به دوره ای از عملها و عکس العمل ها منجر شود. از طرف دیگر رئیس کمیسیون اروپا ژاک سانتر، با انتشار بیانیه هشدار دهنده ای دولت امریکا را از بهانه قرار دادن انفجار در پایگاه نظامیان ظهران، برای توجیه اقدامات غیر موجه اقتصادی بر ضد کشورهایی که مواضع مشترک سیاسی با واشنگتن ندارند بر حذر داشت. وی از خط مشی اتحادیه اروپا در ادامه سیاست گفتگوی انتقادی با ایران دفاع کرد و به صراحت از اقدام یک جانبه امریکا در تحت فشار قرار دادن شرکت های غربی که با ایران وارد معامله می شوند، انتقاد کرد.^{۱۰}

مسائل اقتصادی

دومین بخش کاری اجلاس لیون که در واقع به دستور کار اصلی پرداخت به بحث در مسائل مالی و

اقتصادی اختصاص یافت. بحث اصلی در این زمینه «جهانی شدن»^{۱۱} و عوارضی که این نهضت قدرتمندان برای دنیا بوجود می‌آورد، بود. جهانی کردن بدان معناست که بابت بهره‌گیری از امکانات ارتباطی جهان چگونه می‌توان بر دنیا یک اقتصاد سرمایه‌داری را تحمیل کرد. در این خصوص اروپاییان امریکا را مورد انتقاد قرار می‌دهند که این نیز شیوه تازه‌ای برای غارت جهانی است ولی امریکایی‌ها بیان می‌دارند که اگر اروپاییان نمی‌توانند خود را با وضع جدید تطبیق دهند و با سرعتی که باید به پیش روند چه گناهی به گردن امریکا است. البته جهانی کردن اقتصاد وقتی معنای محسوسی پیدا می‌کند که بدانیم در نظام ارتباط بانکی کنونی جهان پول، قابل لمس به یک موجود فرضی ریز محسوس بدل شده است. در نظام کنونی مالی جهانی روزانه ۱۴۰۰ میلیارد دلار بدون اینکه دست کسی به یک دلار بخورد، از طریق کامپیوترهای اینترنت از بانکی به بانک دیگر خارج و یا وارد می‌شود.

از نظر رئیس جمهور فرانسه که مدعی همراهی با جهان سوم است؛ جهان سوم فکر می‌کند جهانی کردن امری لازم است لیکن اگر این جهانی کردن چهره انسانی نداشته باشد خطر بدتر شدن وضع در شمار زیادی از کشورهای فقیر وجود دارد و به علاوه بخش‌های مهمی از دنیا در گونه‌ای از انزوای اقتصادی فرو خواهد رفت. به علاوه اگر این چهره انسانی به فراموشی سپرده شود در ممالک غربی نیز انزوای اجتماعی افراد به گونه‌ای خطرناک افزوده می‌شود.

در این زمینه بالاخره، اجلاس لیون تصمیم گرفت که راجع به بدهی‌های کشورهای فقیر و ده کشور خیلی فقیر، اقداماتی صورت گیرد و تا ۶۷ درصد وام‌های آنها تقسیط گردد. همچنین پیشنهاد شد که صندوق بین‌المللی پول بخشی از طلاهای خود را بفروشد که ممالک فقیر به خصوص در آفریقا سالی بین شش تا هفت میلیارد دلار درآمد کسب نمایند (از بابت ندادن وامها). ولی بانک جهانی در این امر انعطافی نشان نداد و قرار شد که شیوه عملی اقدامات در اجلاس وزرای مالی و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهان در پاییز امسال تعیین شود و ژاپن پذیرفت که صد میلیون دلار صرف آموزش در کشورهای آفریقایی نماید.^{۱۲} علی‌رغم فشار امریکایی‌ها در امر تحریم ایران، کوبا و لیبی تنها در بیانیه اقتصادی این جمله آمده است که «از اقداماتی که در امر تجارت بر خلاف ضوابط سازمان تجارت جهانی باشد پرهیز گردد و ضوابط اتخاذ شده چند جانبه باشد». معنای این جمله مقاومت اروپاییان و ژاپن و کانادا در مقابل امریکا در این خصوص می‌باشد.

در بحثهای مالی، کشورهای اروپایی از تقویت دلار در مقابل این ژاپن اظهار رضایت کردند و در مورد ارزش پول امریکا، بانک مرکزی این کشور تصمیم دارد که ارزش برابری دلار را ثابت نگه‌دارد. اقتصاد امریکا و کانادا رشد بدون تورم داشته است، اقتصاد ژاپن قوت تازه‌ای یافته است ولی اروپاییان هنوز کسری بودجه زیادی دارند و بیکاران در این کشورها حدود ۲۳ میلیون نفر می‌باشند. لزوم تغییرات بنیادی در اقتصاد جهانی به گونه‌ای که به تعداد بیکاران افزوده نگردد، بلکه این تعداد را کاهش دهد از ضروریات خواهد بود. از آنجا که در امریکا نرخ رشد اقتصادی از رقم بالایی برخوردار است ولی طی سه سال و نیم گذشته نزدیک به ۱۰ میلیون شغل جدید ایجاد شده است و سران کشورهای اروپایی سعی خود را بیشتر متوجه مشکلات اقتصادی و کاستن از نرخ بیکاری در کشورهای خود خواهند کرد.^{۱۳}

شیراک اصرار داشت که قدرتمندان از وامهای خود یا لاقط قسمتی از وامها، به خصوص در قاره آفریقا صرف نظر کنند وی در امر جهانی کردن، یک «الگوی اجتماعی»^{۱۴} خاص را ارائه می‌دهد و اصرار دارد که آن

را مدل اروپایی بنامند. سه محور اصلی این مدل الف- حمایت اجتماعی ب- گفتگوی دولت با اتحادیه‌های کارگری ج- مسؤولیت دولت‌ها در تجانس اجتماعی می‌باشد. وی از این جهت این مدل را مطرح می‌نماید که تحت فشار نظام کنونی اقتصاد جهانی قرار گرفته است که از کمک‌های دولت به پوشش‌های حمایتی اعم از حمایت‌های درمانی یا کمک به بیکاران و خانواده‌های کم‌درآمد و نیز شرکت‌های دولتی صرف‌نظر نماید. برای مثال نظام تأمین اجتماعی فرانسه در ۱۹۹۶ می‌باید ۶۵ میلیارد فرانک یعنی ۱۳ میلیارد دلار از دولت کمک بگیرد و یا شرکت هواپیمایی ایرفرانس مبلغ ۲/۸ میلیارد فرانک کسر بودجه دارد. قطع کمک‌های دولت به این نهادها ممکن است کسر بودجه دولت را کاهش دهد. لیکن مشکلات عظیم اجتماعی در پیش خواهد داشت و به علاوه اگر امر مقررات زدایی را لحاظ کنیم، وقتی قرار باشد ملاک در مسائل اجتماعی- اقتصادی رقابت آزاد جهانی باشد آن وقت است که تأسیسات و تشکیلات «اعتبار ملی» نظیر راه آهن و شرکت هواپیمایی را دیگران خواهند خرید یا جایگزین خواهند کرد. به هر حال شیراک اصرار دارد نهاد‌های ملی کشور فرانسه را از این طریق حفظ نماید.

مسائل سیاسی

در روز سوم اجلاس مباحث گوناگونی نظیر: ۱- تولید و مصرف مواد مخدر ۲- جنایات سازمان یافته ۳- حفظ محیط زیست ۴- بیماری ایدز و دیگر بیماری‌های عفونی ۵- امنیت اروپا ۶- مسئله بوسنی ۷- صلح خاورمیانه ۸- جزیره کره و توان اتمی کره شمالی ۹- اصلاح سازمان‌های بین‌المللی و کمک به کشورهای فقیر، مورد بحث و مذاکره قرار گرفت.

سران هفت کشور صنعتی به اتفاق آرا اظهار داشتند که «رادووان کاراژیچ» باید از سیاست کناره‌گیری کند و محاکمه شود. دو هزار نفر ناظر برای انتخابات پایان تابستان در بوسنی حضور یابند، رژیم اشغالگر موانع ایجاد شده در اقتصاد فلسطین را بر دارد، مسئله محیط زیست یکی از دستورهای اصلی مجمع عمومی سازمان ملل باشد و دبیر کل سازمان ملل متحد یک معاونت جهت هم‌آهنگی با سازمان‌های دیگر بین‌المللی راه اندازد. در آخرین نشست سران گروه هفت پطروس گالی دبیر کل سازمان ملل نیز حضور داشت که امریکا با انتخاب مجدد وی به سمت دبیر کلی مخالفت کرد اما دیگر سران حاضر در اجلاس لیون به ادامه کار وی موافق هستند.

«ویکتور چرنومیردین» نخست وزیر روسیه نیز برای شرکت در اجلاس گروه هفت به لیون آمد. گروه هفت با ورود وی عملاً به گروه هشت تغییر نام یافت زیرا روسیه در مورد اتخاذ تصمیمات مربوط به مسائل جاری جهان نقش سودمندی دارد. در این اجلاس تصمیم گرفته شد که کمک‌های هفت کشور ثروتمند جهان جهت کمک به روند اصلاحات سیاسی و اقتصادی روسیه ادامه یابد.

بیانیه اقتصادی

در پایان اجلاس اقتصادی کنفرانس بیانیه‌ای اقتصادی منتشر شد. در این بیانیه در مورد روند جهانی شدن، همکاری‌های اقتصادی و پولی، تجارت، اشتغال، توسعه، سازمان‌های چندجانبه، بدهی و غیره مطالبی ذکر گردیده است.

در بخش مربوط به روند جهانی شدن اعلام شده است: جهانی شدن، برگ برنده مهمی برای آینده

کشورهای ما و سراسر کره زمین است. این روند رشد قابل توجه ثروت و آبادی جهان شده است. در بخش مربوط به همکاریهای اقتصادی و پولی آمده است: نابرابری میان تواناییهای اقتصادی، به طور محسوس کاهش یافته است. با این همه، مشکلات کمی در ارتباط با کسر بودجه، بدهی دولت و پس انداز ملی باقی است و مشکل اصلی بیکاری است که در سطح غیر قابل قبولی قرار دارد. رهبران هفت کشور صنعتی، در زمینه تجارت در بیانیه خود بر لزوم وجود یک سیستم چند جانبه مؤثر، پویا، باز و مورد احترام تأکید کردند. این رهبران همچنین بر نقش اصلی سازمان تجارت جهانی و برتری اصولی چند جانبه تأکید کردند. هفت کشور صنعتی جهان ضمن اعتراف بر لزوم برداشتن گامهای بیشتر به نفع کشورهای فقیر و بسیار بدهکار، حمایت خود را از کمک دو میلیارد دلاری بانک جهانی برای کاهش بدهی این کشورها اعلام داشتند.^{۱۵}

بیانیه سیاسی

پس از اجلاس نهایی بیانیه‌ای سیاسی از طرف ژاک شیراک رئیس دوره‌ای گروه هفت منتشر شد. در این بیانیه در ارتباط با مسائل گوناگون مطرح شده از جمله بحران مالی سازمان ملل، حقوق بشر، عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای، امنیت هسته‌ای، محیط زیست، تکنولوژی و اطلاعات، بیماریهای عفونی، مواد مخدر، جنایات سازماندهی شده، خاورمیانه، ایران، کره و بوسنی اشاراتی شده است. در بخش مربوط به بحران مالی سازمان ملل بر یافتن یک راه حل با دوام براساس تصویب سهمیه‌های عادلانه‌تر و رعایت دقیق تعهدات مالی اعضا و پرداخت عقب افتاده‌ها تأکید شده است. کشورهای شرکت کننده در اجلاس همچنین در مورد مؤثر بودن برخی از کارگزاریهایی این سازمان ابراز تردید کردند. در بخش حقوق بشر بیانیه آمده است: ما مایلیم ضمانت کنیم که زنان مانند مردان به طور کامل و برابر از شناسایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی بهره‌مند شوند. هفت کشور صنعتی در ارتباط با عدم تکثیر سلاحهای اتمی بر تمایل خود برای انعقاد پیمانی مبنی بر منع کامل آزمایشهای هسته‌ای که احتمالاً به هنگام آغاز پنجاه و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر آینده امضا خواهد شد، تأکید کردند. همچنین این کشورها بر علاقه‌مندی خود به امنیت هسته‌ای تأکید کرده و گفتند این امنیت بر هر ملاحظه دیگری اولویت دارد. در مقابل تهدیدهای موجود علیه محیط زیست (گرم شدن کره زمین، پیشروی صحراها، از میان رفتن منابع طبیعی و گونه‌ها، رشد بیش از حد شهرها) شرکت کنندگان در اجلاس بر اهمیت حفظ محیط زیست تأکید کردند. این رهبران همچنین خواستار اعمال روشی عملی برای کمک به دستیابی همگانی به تکنولوژیها و اطلاعات شدند. در این بیانیه اعلام شده که بیماریهای عفونی مانند ایدز، وبا، ویروس ابولا، سل و غیره تهدیدی غیر قابل قبول برای مردم و تمامی کشورها هستند. این بیانیه همچنین مواد مخدر را تهدیدی مهم برای آینده جوانان، سلامت شهروندان و وحدت جوامع معرفی کرده است. رهبران کشورهای صنعتی در زمینه جنایات سازماندهی شده متعهد شدند به تبادل اطلاعات برای یافتن

خلافکاران و پیگرد آنها اقدام کنند.

در بخش خاورمیانه این بیانیه از همه طرفهای ذی نفع دعوت شده است، مذاکرات دو جانبه را از سر بگیرند. همچنین از سوریه و لبنان خواسته شده به مذاکرات چند جانبه جاری ملحق شدند. و به تلاش برای دستیابی به صلح کامل براساس موافقتنامه مادرید و سیاست «صلح در برابر زمین» ادامه دهند. همچنین از یاسر عرفات خواسته‌اند در مسیر ترویج و تقویت دموکراسی و حاکمیت قانون در سرزمینهای فلسطینی تحت تسلط تشکیلات حکومت خودگردان، گام بردارند. در بیانیه از رژیم صهیونیستی خواسته شده است نظارت و محدودیت رفت و آمد در برخی از مناطق فلسطینی را لغو کند. سران گروه هفت خواستار شتاب هرچه بیشتر در بازسازی جنوب لبنان شده و بر پایان تنش و برقراری ثبات در لبنان تأکید کرده‌اند.

این بیانیه از دولت ایران خواسته است از حمایت مادی و سیاسی از گروههای بنیادگرایی که در صدد نابودی روند صلح در خاورمیانه و بی ثبات کردن منطقه است، دست بردارد. سران هفت کشور همچنین از ایران خواستند که حکم مربوط به سلمان رشدی لغو شود. کشورهای عضو همچنین از تمامی کشورها خواسته‌اند از همکاری با ایران برای دستیابی به توان هسته‌ای نظامی اجتناب کنند.

از جمهوری خلق دموکراتیک کره (شمالی) خواسته شد که به گفتگو و همکاری با کره جنوبی، به عنوان تنها راه برقراری یک صلح با دوام در شبه جزیره اقدام کند.

در بخش مربوط به بوسنی آمده است: «رادوان کاراژویچ» باید فوراً و قاطعانه از هر گونه سمت دولتی کناره گرفته و در هیچ تصمیم‌گیری دولتی شرکت نداشته باشد. همچنین از تاریخ تعیین شده توسط کارل بیت نماینده عالی غیر نظامی در بوسنی برای کناره‌گیری «کاراژویچ» حمایت شده است. همچنین از کشورهای که مبالغی را به بازسازی بوسنی اختصاص داده‌اند خواستند لااقل پنجاه درصد مبالغ قول داده شده را پرداخت کنند.^{۱۶}

ایران و بیانیه اجلاس گروه هفت

موضوعی که در بیانیه نهایی اجلاس گروه هفت در خصوص ایران مطرح گردید، مسأله تازه‌ای نیست. اول بار در اجلاس نوزدهم سران هفت کشور صنعتی در ۱۹۹۳ در ترکیه مسأله ایران مطرح شد. آمریکا با هدف در انزوای قرار دادن جمهوری اسلامی ایران از طریق سیاست مهار دو گانه، در این اجلاس نیز متحدین خود را تحت فشار قرار می‌دهد تا سیاستی هماهنگ با نظر آمریکا اتخاذ نمایند. در اجلاس سال ۹۴ در ناپل ایتالیا و اجلاس سال ۹۵ در هالیفاکس کانادا نیز آمریکا در راستای سیاست کلی خود در حمایت از رژیم صهیونیستی در صدد بود که سران کشورهای دیگر را در تحریم و انزوای ایران با خود همراه سازد. در این اجلاس نیز آمریکا مطابق سالهای گذشته سعی نمود که دیگر متحدین را با خود همراه سازد ولی با اعتراض کشورهای دیگر رو به رو شد. آمریکا در صدد بود که این اجلاس در مورد طرح «هلمز - برتون»^{۱۷} با کشورهای دیگر اجلاس به توافق دست یابد ولی اروپایی‌ها تهدید نمودند که چنانچه آمریکا مجازاتهایی علیه شرکتهای اروپایی سرمایه‌گذار در کوبا، ایران و لیبی برقرار کند، این خطر وجود دارد که اروپایی‌ها نیز دست به عملیات تلافی جویانه بزنند.

در بیانیه نهایی نکات زیر از ایران درخواست شده است:

۱- عدم حمایت مادی و سیاسی از گروههای بنیادگرا در خاورمیانه؛

۲- لغو فتوای مربوط به سلمان رشدی؛

۳- درخواست از کشورهای دیگر در مورد عدم همکاری با ایران برای دستیابی به توان هسته‌ای نظامی. ایران یکی از امضا کنندگان پیمان عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای می‌باشد که همواره اجازه داده است تا از تجهیزات هسته‌ای این کشور بازرسی به عمل آید. سازمان انرژی اتمی بین‌المللی نیز استفاده صلح آمیز ایران از تکنولوژی هسته‌ای را مورد تأیید قرار داده است. از طرف دیگر ایران ثابت نموده است که مشارکت فعالانه‌ای در امور جهانی و منطقه‌ای دارد که از هیچ کوششی برای برقراری صلح و ثبات در منطقه خودداری نمی‌کند. این اقدامات نیز سبب گردیده تا کشورهای اروپایی برخلاف امریکا معتقد به ادامه همکاریهای اقتصادی با ایران باشند و مخالفت خود را با تصمیم امریکا در مورد مجازات کمپانیهای خارجی که در ایران سرمایه گذاری می‌کنند، اعلام نمایند.

نتیجه گیری

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق، شرایط جدیدی در رقابتهای اقتصادی میان کشورهای بزرگ صنعتی در حال شکل گیری است. مهمترین مؤلفه این شرایط جدید زمان از بین رفتن نظام دو قطبی است. امروز صحنه سیاسی جهان شاهد شکل گیری قطبهای متعددی است که هر یک به دنبال منافع خود می‌باشد، به عبارت دیگر هفت کشور بزرگ صنعتی جهان که رهبری اقتصادی و مالی و تجاری را در دست دارند در عین حال درگیر مشکلات داخلی و اختلافات بین خود می‌باشند. از این جهت هر یک در این اجلاس به دنبال تأکید بر مسائل و مواضع مورد نظر خود بودند.

گرچه اتخاذ سیاستهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی جهانی که در این اجلاس مشخص گردید بر سیاست خارجی کشور ما اثر می‌گذارد اما ایران نیز باید از خود واکنش مناسبی نشان دهد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نباید نسبت به هر گونه رفتار و حرکتی بی تفاوت باشد، پیامدهای احتمالی آینده را نیز در نظر گرفته و نسبت به راه حل‌های آن اقدامات لازم را به عمل آورد. گرچه امریکا سعی می‌کند که تحریمهای خود را علیه ایران تشدید نماید اما ایران نیز باید با اتخاذ دیپلماسی مناسب، همکاری کشورهای اروپایی را جلب نموده و نشان دهد که منافع آنها مخالف با سیاست تحریم ایران می‌باشد.

منابع و یادداشتها:

- ۱- علی بابایی، غلامرضا. فرهنگ روابط بین الملل، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۷۵.
 - ۲- نگاه کنید به Congressional Quarterly, 20 April 1996.
 - 3- Eamonn Fingleton, "Japan's Invisible Leviathan", foreign Affairs, March/April 1995, P: 69-86.
 - 4- Vahan Zanoian, "After the oil Boom", Foreign Affairs, Nov/Dec 1995, P: 2-8.
 - 5- Continue Game Policy.
- عزیزانم بازی با گویهای شیشه‌ای عده‌ای که برنده شده‌اند صاحب همه گویها هستند اگر تعدادی از گویهای خود را به بازنده‌ها ندهند بازی خاتمه خواهد یافت چرا که بازنده‌ها چیزی برای بازی ندارند. لذا برنده‌ها به عنوان قرض تعدادی از گویهای خود را به آنها فقط برای «ادامه بازی» می‌دهند. از این رو به این سیاست «سیاست ادامه بازی» می‌گویند.
- ۷- برای وضعیت اقتصادی روسیه و سیاستهای غرب در قبال آن نگاه کنید به:
روسیه در پناه گروه هفت - تازه‌های اقتصاد - شماره ۳۱، ص ۲۱-۱۶
- 8- C.N.N. 28 June 1996.
 - 9- B.B.C. 28 June 1996.
 - 10- C.N.N. 28 June 1996.
 - 11- Globalization
 - 12- B.B.C. 29 June 1996.
 - 13- C.N.N. 28 June 1996.
 - 14- Social Pattern.
- ۱۵- اطلاعات، ۹ تیر ۱۳۷۵، صفحه آخر.
- ۱۶- اطلاعات، ۱۰ تیر ۱۳۷۵، صفحه آخر.
- ۱۷- چهار ماه قبل در پی سرنگون شدن دو هواپیمای متعلق به ضد انقلابیون کوبایی توسط نیروی هوایی کوبا، امریکا تصمیم به تشدید تحریم ۳۰ ساله خود علیه این کشور گرفت. به موجب طرحی که در کنگره این کشور به تصویب رسید، مقامات اداره مهاجرت امریکا اجازه می‌یابند که از اعطای ویزای ورود به خاک امریکا به مقامات شرکتهای سرمایه‌گذار در کوبا خودداری کنند. همچنین دولت امریکا این اجازه را پیدا می‌کند که شرکتهای خارجی طرف معامله با کوبا را متهم به نقض قوانین تجاری خود کرده و رسماً از آنها تقاضای غرامت کند. اما سران بسیاری از کشورهای اروپایی و امریکای لاتین و کانادا از این مصوبه به شدت انتقاد کردند و آن را مغایر با منافع اقتصادی خود اعلام نمودند. دولت امریکا در نظر دارد نظیر چنین مجازاتیهای اقتصادی را برای شرکتهای خارجی که در ایران و لیبی سرمایه‌گذاری می‌کنند، مقرر نماید. این مصوبه در صورتی رسمیت می‌یابد که کلیتاً در ۱۵ جولای آن را امضا نماید.